

رشدی بازیگری برون گرا

می کند، قلبیت خود را از دست می دهد. او در کنار این چهره اگر در ادای دیالوگ از دستان و صدای خود نیز سود می جوست به واسطه این عناصر قادر بود از قالب نقش های منفی فاصله گرفته و با سبب ساز ضعف در خلق نقش های منفی بشود. این قالب بازی او را به مردی قلیل احترام، دوست داشتنی و آرام تبدیل می کرد. بازی در فیلم های «گل های داوودی» و «راه افتخار» و سریال های «عطر گل یاس» و «آوای فاخته» و بسیاری دیگر از نقش های مثبت او از این اصل تبعیت می کردند.

در دوسریال تاریخی داوود رشیدی، شاهد نقش هایی هستیم که منفی به حساب می آیند اما سازندگان آن ها از قلبی متفاوت تر از آن چه گفته شد، سود جستند. نقش های عمر عاص، در «تهاترین سردار»، فضل ابن ربیع، در سریال «ولایت عشق»، «مختار نامه» و رئیس جمهور اوینا در «یکی از این روزها» در ظاهر چهره های متفاوت تر از نقش های منفی و مثبت دیگر او به نظر می آیند. اما به این دلیل که شخصیت های بارز و شناخته شده ای در تاریخ بودند و مخاطب با پیش فرض منفی بودن به سوی آن هاهمی رود و نیز به خاطر این که این افراد هر دو عرب هستند نوع آرایش و پیرایش صورت آن ها و هم چنین پوشش و طراحی لباس شان تفاوت های اساسی وجود دارد. این تفاوت در آرایش موها و اصلاح ریش در نقش های عمر عاص و فضل ابن ربیع کاملا محسوس است و طراحی گریم به شخصیت داستان کمک شایانی کرده است. با وجود تمام ویژگی ها، اما به این دلیل که برای صدای او از صدایشان مجرب و متناسب با نقش استفاده نشده است، رشیدی را در باور پذیر کردن نقش متکی به استعداد و تجربه فوق العاده اش کرد. در سریال «یکی از این روزها» نیز این شناخت و شخصیت پردازی و اطلاعات به مخاطب داده می شد؛ این که قرار است یک شهروند خوب به جای رئیس جمهور فقید کشور چند صباحی به قدرت برسد و در نهایت نیز شجاعانه و مانند یک قهرمان ملی در حرکتی تروریستی کشته شود. جنس بازی داوود رشیدی، نیز در خلق برخی از نقش های موفقش تأثیر بسزایی داشت. او بازیگر برون گرای بود. از این رو نباید در لحظات حساسی و عاطفی از اوانتظار یک بازی زیر پوستی می داشتیم. وی با حرکت های دست و ادای دیالوگ هابه صورت بریده بریده می گوشت حس نقش را در بازی اش برونی کند. بازی ای که اصطلاحات تئاتری گفته می شود از تئاتر درون اوبه ودیده گذشته شده بود. این ویژگی ای است که اگر در تلویزیون به درستی از آن استفاده نمی شد، نه تنها نقش های منفی بلکه در موقعی شخصیت مثبت را نیز تحت الشعاع خود قرار می دهد و اگر می شد حس و اجرای نقش را در مقابل دوربین با آن در آمیخت و از حرکات اضافه مقابل کادر تلویزیون و سینما کاست، در بازی و خلق شخصیت ها به او کمک شایانی می کرد. اتفاقی که در بازی داوود رشیدی، هنگامی که با برخی از کارگردانان مطلع به شیوه بازیگری رخ داده است. به عنوان مثال زنده یاد علی حاتمی و داوود میربقری از کارگردانی هستند که شناخت خوبی نسبت به بازی داوود رشیدی داشتند. آن ها کوشیدند برخی حالات و بازی های تئاتری را در مقابل دوربین از او بگیرند. به همین سبب شاهد آن بودیم که مرحوم داوود رشیدی، بهترین بازی هایش را در آثار زنده یاد علی حاتمی، ارائه کرده است. در مقایسه حضور در دومدیوم سینما و تلویزیون، او بهترین کارها و موفق ترین بازی هایش را در آثار تلویزیونی ارائه داده است. در واقع مخاطب او را همواره با کارهای موفقش مانند «ولایت عشق»، «تهاترین سردار» و «شش انگشتی» «هزار دستان» به یاد خواهد آورد. مرحوم داوود رشیدی، همواره میل و شوق تجربه تلویزیونی و کشف قلبیت های بازیگری، کارگردانی و حضور در عرصه های مختلف را داشت. از این رو تلاش او قلیل احترام و تقدیر بود.

داوود رشیدی تا پیش از سال ۱۳۵۲ که مسئولیت اداره تئاتر را بر عهده داشت بازیگرانی چون مرحوم پرویز قتی زاده، داریوش فرهنگ، مهدی هاشمی، فهیمه رستگار، سیاوش طهمورث، مرضیه برومند و سوسن تسلیمی، گروه تئاتر امروز، را پایه گذاری کرد. رشیدی از سال ۱۳۵۲ به تلویزیون آمد و در سمت مدیر گروه نمایش و سرگرمی فعالیت کرد. در این ایام بود که آثار تئاتری فاخر با کارگردانی افرادی چون رضا کرم رضایی، داریوش مودبیان، سیروس ابراهیم زاده، پری صاری، اسماعیل خاچ، رضا بلیک، منیره محمندی، مرحوم حمید سمندریان و رکن الدین خسروی تولید و روانه آنتن رسله ملی شد. داوود رشیدی، که با فیلم «فرار از تله» در سال ۱۳۵۰ ساخته جلال مقدم کارش در سینما را آغاز کرد و پس از ۴۲ سال حضور در سینما، نزدیک به همین تعداد فیلم را بازی کرده است. در برخی از این آثار مانند «تهاترین روزگار تو»، «کمال الملک»، «گل های داوودی» و «شبلیات» خوش درخشید. حضور رشیدی در ژانرهای مختلف دلیل محکمی بود بر تسلط این بازیگر بر نقش های متنوع و شناخت کامل او از ژانرهای گوناگون. جنس بازی و فیزیک صورت و انعطاف چهره داوود رشیدی، دست او را برای بازی در نقش های مثبت و منفی باز می گذاشت و امکان حضورش در ژانرهای مختلف را میسر می ساخت. چهره و آناتومی داوود رشیدی به دلیل گونه برجسته، پیشانی بلند و چله های تخت، زمینی که موها و ریش هایش را کوتاه نگه می داشت، ترکیبی را در چهره اش می ساخت که او را قادر به ایفای نقش های مختلف منفی از جمله شخصیت هایی چون رضا خان و مفتش شش انگشتی و پادشاه سریال «گرگ ها» می کرد. اما برای رسیدن به این جنس نقش های منفی، صدا و حرکت های دست او با بهتر بگویم بازی با دستنش همواره از جمله عواملی بود که او را از رسیدن به این نوع کار آفرین دور می کرد و به همین سبب برای نقش های منفی عموماً از صدایشان برای او استفاده می شد. چرا که صدای او حجم صدای یک شخصیت منفی را نداشت. در واقع صدای صدایشان مانند نظریان و عرفلی در کنار چهره قلیل لطف او یک نقش منفی استثنایی مانند مفتش شش انگشتی، رضا خان و پادشاه سریال «گرگ ها» را خلق کرده و به بازی او نوعی خشونت و قطعیت می بخشد. بی شک در میان نقش های منفی داوود رشیدی، نقش رضا خان، استثنایی ترین نقش او به حساب می آید؛ نقشی که تمام ویژگی های چهره و حضور صدایشان به نام نظریان را در اجرا به شکلی مطلوب کنار هم قرار داده است؛ اتفاقی که در میان نقش های منفی دیگر او به خاطر جنس و ویژگی خود نقش ها کمتر رخ داده بود. و اما در سریال «گرگ ها» با پادشاهی روبرو بودیم که با وجود جایگاه و مقامش، شخصیتی بیمار، ضعیف، مستاصل و تحت کنترل با کمترین قدرت را داشت. نقش پادشاه اما به خاطر ویژگی هایی که به آن اشاره شد، منفی کلاسیک نبود. شخصیتی مانند مفتش شش انگشتی، سریال «هزار دستان» نیز چندان منفی نبود. مفتش شش انگشتی، سریال «هزار دستان» به عنوان یک مأمور جاه طلب در پی کسب مال و ثروت در لوای انجام وظیفه اش به عنوان یک مأمور شهریاری بود. او وقتی از دستان رضا مطلع شد، چون تحول رضا از تفنگچی بودن به خوشنویس شدن، دچار این تغییر می شود. به این ترتیب با یک شخصیت اما با دو نگرش مختلف روبرو می شویم. باید اذعان داشت زنده یاد علی حاتمی در این سریال، یکی از استثنایی ترین چهره ها و قابلیت های آناتومی صورت این بازیگر را به تصویر کشیده بود. داوود رشیدی، با سبیل های قیطنی، و کلاه شاپو و صورت کاملاً رئیسه شبیه یک گانگستر می شود و در مقابل، زمانی که سر و صورتش را با محاسن و موهایی نسبتاً بلندی پوشاند، دیگر چله تخت و عناصر دیگری که در صورتش او را برای خلق چهره های منفی یاری



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمد رضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

نمایش مردم، شروعی برای رشیدی

مهدی قنبر - در یک روز گرم تابستانی به سال ۱۳۱۲، در کوچه آبشار خیابان ری تهران، در خانواده ای که ریشه شان به شهر بابل، در استان مازندران و خاندان حائری مازندرانی باز می گردد، متولد شد. پدر او عبدالامیر رشیدی حائری دیپلمات بود و در چند کشور نیز سفیر شد. پدر بزرگش، محمد حائری مازندرانی معروف به ابن الشیخ از روحانیان مشر و طه خواه و جدش زین العابدین حائری مازندرانی از مراجع تقلید عصر قاجار بود. اما داوود پسر نورسیده این خاندان با اصالت که به دلیل شغل پدر تحصیلاتش را در خارج از کشور گذراند، پیشه هنر پیشگی را از هفت سالگی با معرفی دختر عمه اش طوسی حائری، به عبدالحسین نوشین، برای بازی در نمایش مردم، شروع کرد. او را با نقش های موفقش مانند مفتش شش انگشتی، در هزار دستان، رضا خان در کمال الملک، رئیس جمهور اوینا در «یکی از این روزها» و آثار دیگری چون «گل های داوودی»، «سریال گرگ ها»، «عطر گل یاس» و «آوای فاخته» به یاد می آوریم. وی فارغ التحصیل رشته علوم سیاسی، از دانشکده ژنو و دیپلم کارگردانی و بازیگری، از آکادمی موزیک ژنو بود و در دوران دانشجویی اش در سال های ۱۹۵۸ تا سال ۱۹۵۹، کارگردانی و بازیگری نمایش های بریتانیکوس «ژان راسین» و «مرید شیطان» نوشته برنارد شو را بر عهده داشت. رشیدی، در این سال ها بیش از ۴۰ تئاتر را در کارنامه خود ثبت کرده، تئاتر هایی مانند «بیروزی در شیکاگو» که به واسطه کارگردانی و بازیگری اش شهرت فراوانی برای او به همراه آورد. آخرین کارگردانی تئاتر او به نمایش «زمین مقدس»، بازی می گردد که در سال ۱۳۸۵ به روی صحنه رفت. متأسفانه داوود رشیدی، پس از ۴۲ سال فعالیت مستمر هنری، در پنجم شهریور ۱۳۹۵ دیده از جهان فرو بست.

شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir